

# کتابخانه



## قیمت باقی

پنجم شهزاده احمد علی خان درانی

مدیر انجمن ادبی

مدیریت باقی، تهیه و توزیع اطفال، در مجالس عالی و سافل، در انجمنها و قهوه خایه ها، در باغچه ها و نزهتگاهها و الحاصل هر جا که اتفاق افتد و ملاحظه کنیم، انتظام حیوانات، پرورش جانوران، نشوونمای گلها و اشجار، مطرح بحث خواهد بود، کسانی که بشکار میل دارند گفتگویی آنها عبارت است از نشان زدن، پاک کردن تفنگ، و سگان شکاری، تندی بال و بازوی شاهین و باز یا از تیزگامی اسپان کوه نورد و بزکش - برخی هم اسپ را قرسم، علم دم، دگری خوش لجام و سبکرو میخوانند و بعضی در تعریف و توصیف ویلا، عربی، تارو پزید، پار دریائی و قدغنی رطب اللسان آند، کبوتر بازها، کفتران بی داغ خود را با مرغان اولی الاجنحه، صبال و همپری شمارند زنبورهای عسل نیز بنوبت خود زیر سایه پد بخوان یا موسیقی مخصوص

شان در خانه های چوبی موجب آرایش باغ و باعث تعریف و توصیف صاحب خانه میگردد ،  
 و شوق سگ جنگی قسمت زیادی از صابونهای گل چاپ را با حوله های کانپوری در شست  
 و شوی پویی ، جیک و تیگر و غیره صرف میسازد ، در جای سخن از نشو و نمای پتونی ، نکتیسر ،  
 داودی ، آدم چهره و ریحان و نسترن گفته شده و در وصف زلفین غالیه بار سنبل ترانه ها  
 می سرایند و از خوبی های بید بخون ، سرو و مور پنکه مدح میگویند ،  
 الغرض ذوق متفاوت و شوق بوقلمون شایقین صبح و شام اوقات پر بهای  
 را درین موارد و مقدمات ضایع مینماید که در حقیقت هیچ نتیجه ندارد ، حتی مصاحبه و  
 معلومات روز مره نیز جز مسائل تازی خانه ، گلخانه ، مگس خانه ، کفتر خانه و غیره  
 دیگر چیزی قابل استفاده ندارد .

چندانکه در مجالس بزرگ و کوچک دقت نمودم عموماً سوای همین موضوع تربیت و  
 پرورش اشیا و اجسام جاندار و بیجان چیزی بگوش نیامد و متأسفانه در هیچ جا نشنیدم  
 که حرفی از تربیه اطفال زتنند یا از دایه خانه ها و اکل و شرب ، و انتظام غذا و اوقات هوا  
 خوری بحث رانند یا از غیره اصول تربیت اطفال چیزی گویند و گوئی این موضوعها تا هنوز  
 در دنیا قدم نگذاشته و قتیکه در الماری ها و کتابخانه های شخصی به بینم جز کتابهای بیطاری ،  
 باغبانی ، کتاب الثمرات ، شکار نامه ، فرستامه ، علاج الا فیال ، سگنامه ، کفترنامه  
 و غیره ورقی هم یافت نمی شود که از تربیت اطفال ، تعلیم ابتدائی ، حفظ الصحه خورد  
 سالان ، عالم شیر خواری ، فلسفه تعلیم سپتنس ، یا نفسیات ابتدائی هومرلین و ورسل ،  
 و غیره باشد .

اشخاصی نسبت بطرز خوراک طفل مطابق احتیاجات نشوونمای جسمانی و روحانی آن  
 شرح داده بتوانند خیلی اندک کند .

شاید آقایان محترم در جواب اینگونه فرو گذاشت ، قلت فرصت ، و کثرت شغل  
 خود را عذر آورند یا این مطلب هارا غیر مهم تلقی کنند ، ولی نه این معذرت در خور قبول  
 و نه این فرو گذاشت قابل عفو است بصد ها نفر ازین آقایانند که اگر از خوراک و انتظام  
 جانوران شان سؤال کنیم هر يك مثل يك حکیم دانا و طیب حاذق جواب خواهد گفت

ولی در تربیه و پرستاری اولاد خود را بی نیاز دانسته و این مطلب را در عهد صباوت طفل بعهده مادر یا دایه و بعدها بر ذمت همت معلم تحمیل میدارند .

شک نیست در مورد تربیه طفل هم مادر هم معلم و هم پدر هر سه مکلف میباشند ولی از روی سنین عمر اطفال که مشکل ترین دوره یا عهد ضعف و ناتوانی خود را در خانه طی میکنند البته پدر و مادر بیشتر به این امر هم از جانب آفریدگار و هم از طرف عقل و وجدان مکلف شناخته میشوند .

مثلا غذا نیکه برای طفل داده میشود هر لحظه و هر ساعت چه اثر بخشیده ؟ و از آن غذا برای قاطبه حیات در نشو و ترقی جسمانی طفل چگونه نتایجی بعمل خواهد آمد ؟ همچنان اخلاق و عادات نیکه در آن ایام طفل اکتساب میکند آیا در صورت عدم توجه والدین آنگونه مآخلاقیات و عادات طفل چه بدبختی را در آتیه فراهم خواهد نمود .

پدران اوقات عزیز و پر بهای خود را در اینگونه موارد مهمه که در نظر ظاهر بین سزای می نمایند صرف نمی نمایند بلکه این کار را تحقیر خود شمرده حوالت بمادرها میفرمایند که ایشان نیز بجز خیاطی ، چرمه دوزی ، کتو ، اتو یا در آرایش کف و کالر و سرخی و سفیده یا در تعلیم ابتدائی یا عکاسی خشک و خالی یا در مطالعه ناولهای ناقص دیگر شغل مهمی ندارند .

اگر خانواده مالدار است ، انتظام پرورش و انصراف تربیت حتی خور و نوش و لباس و هوا خوری اطفال را ( که قسمت اداره ها و موسسه های بزرگ ما دست شان خواهد افتاد ) به لاله های ناخوان و بابه جی های الحق کم سواذ و داده های بی تربیت بر تعصب می سپرد . پدرها در مباحث زندگی تنها به این مطلب پیچیده اند که مرغ و گفتر باز و بونده را پرورش دهند یا اسپ لاغر را چاق سازند ، یا کبود و مشکی بسیار فربه را برای مقابله دو اندن چنگ و لاغر کنند ، ولی و اسفا ! جانب اطفال هیچ پرداخت و توجه نمیکنند که یک رعنا جوان زیبا قامت در میدان مبارزه با حیات بدون وسائل ما به الاحتیاج زندگانی چگونه حاضر شده خواهد توانست . اولین شرط کامیابی در حیات بقول اسپنسر ، حیوان خوب تیار شدن است ، و اولین

شرط اقبالمندي قوم از قبيل حيوان خوب بودن است .  
 برای تربیت اقوام تنها ، قابلیت عقل ، شرط نیست بلکه ، قابلیت جسمانی ، هم ( اگر چه  
 ثانیت ) لازمی گفته اند ، چه جسم خوب دماغ خوب میپرورد .

مارا در پرورش طیور ، شوق اسپ و سگ اعتراضی نیست ( زیرا که بحد صحت و اعتدال  
 موجب تمجید و کار مفیدی است ) بلکه میگوئیم آقایان محترم در پرورش اطفال تنها  
 مادران را مسئول ندانسته و این تکلیف مهم را بدوش آنها تحمیل نه نمایند .  
 در حسن تربیه يك او لادیکه فردا مرد میدان بر آید عقل و قدرت يك زن ضعیفه آهم

آسیانی چگونه کفایت خواهد کرد ؟  
 بلی اگر انصاف در میان باشد برای صرف اوقات يك والدین مشفق و وظیفه شناس

در تربیه طفل بسیار موضوع مناسبی موجود است و برای پدرانی که يك قسمت وقت  
 خود را به تفریح یا پرورش وحوش و طیور و به گل و بلبل و شجر و حجر صرف مینمایند  
 چقدر بهتر است قسمتی را نیز برای ترتیب و فراهم آوردن سعادت آتیه اولاد خود و برائت  
 ذمه و وظیفه پدری و مادری وقف نموده این ریشه سعادت نوعی را از خشکیدن و بر بادی  
 محنا فظه فرمایند .

نگارنده سعی دارد که محض ایفای وظیفه نوعی این موضع مهم را مطابق فیصله و  
 مقررات حکمای علم النفس و علمای این فن بزرگ و شریف بعنوان ، تربیه اطفال ، بعبارت  
 عام فهم در مجله کابل مسلسل در معرض مطالعه عموم گذارم ، شاید صدای ما بگوش اهالی  
 وطن عزیز بی تاثیر نمانده و اولاد آتیه این فکر را بنظر وقع و اهمیت تماشا کنند و اقلا  
 درین مورد با ما همدرد و هم آهنگ شوند .

مطلوبیرا که فعلا در نظر داریم عبارت از اصولهای پرورش و طرق تربیت اطفال و تعلیم  
 اساسی است که برای تربیت جسمانی و روحانی طفل و جوان ، دختر و بچه ، مناسبتی زیاد دارد .  
 ضدها بچه از نادانی والدین و عدم تعلیم و پرورش صحیح می میرند ، هزاران اطفال  
 از ناتوانی ضعیف القوی و نحیف الجثه می مانند ، این همه از نتایج بیغوری والدین و نادانستن  
 علم تربیه اطفال است که در ایام بزرگی موجب چندین مهلکات جسمانی و اخلاقی میشود .

بچه و دختر که از صعنارت تا عهد بزرگی گرفتار مرض می باشند مادر و پدر او را به « بدنصیبی » و « کم طالعی » تعبیر میفرمایند ، و اینگونه امراض و مصائب دائمی را قرار رسم و رواج غلط « بدون اسباب » و « علت » وهم میکنند . اگرچه در بعضی مواقع اسباب این امراض ( آنهم خال خال ) موروثی هم میباشد ولی اکثر تدابیر احمقانه را در آن دخل بسیار است . مثلیکه گریستن اطفال را تمام شب به شکم دردی و غیره تاویل نموده مشورت داده های جاهل و آبه جی های نادان و خواهر خوانده های بی تجربه نسخه کثیفی را از دکان لاله جی تدارک نموده کوفته بیخته و خیساییده یا جوش داده بگلوی طفل میریزند تا در معده و امعای ضعیف و کوچک او خراشهای زیادی حادث نموده مرض او را برای تمام عمر بخناق دائمی یا دیگر امراض مزمن منجر سازند که در تمام حیات مرض شکم و غیره افسردگی و ناتوانی دائمی برای او تولید گرداند ، این همه از نادانستن علم ساده و آسان و فزیالوجی ، و غیره میشود حالانکه حصول این تعلیم ضروری خیلی آسان است .

### فقدان تربیه اخلاقی

آغوش مادر اولین مکتب انسان است از باغی که غالباً مادرها از علم تربیه بی خبر و از فرایض مادری عاجزند ، نمی دانند ، جذبات طبیعت ، چه کیفیت دارد ؟ و بکدام ترتیب نشو و نما میگیرد ؟ افعال و فرایض اینان چیست ؟ استعمال درست آن یکجا ختم ، و استعمال نادرست از یکجا آغاز میشود ؛ پس مادرانی که از امور نفسیات بی خبر اند مستحق مداخلت نمودن در معقولات اطفال نمیباشند . مادر هر فعل طفل را که خیلی باقاعده و بسیار مفید است مانع گردیده مسرت و فائده او را میکاهد که در نتیجه طفل را بیزار و خود را هم خلق تنگ میسازد و خواهش کارهای را که برعم خود مناسب میدانند به بیم زد و کوب یا رشوت و خوشامد بیجا در دل طفل پیدا نموده تخم ریاکاری ، خوف و خود غرضی در دل طفل

از همه اول جای میگیرد، برای تاکید راست گفتن بچه را بهم لت و کوب میدهد ولی غالباً عملی نمی نماید گویا خود مادر از همه اول دروغ گفته و بچه را بدروغ رهنه نوئی میکند. ما در پی خبر از قانون نفسیات هر حرفی بی سرو پا که در خاطرش خطور کرد به بچه القا کرده و همان قانون اوست که جهت طفل مضر و متناقص ثابت می شود

### فقدان تربیه عقلی و علمی

فقدان علم النفس موجب اخلال زیاد در تربیه اطفال است تعلیم واقعات حقیقی را مانع و واقعات نادرست را بطریق و ترتیب غلط قهراً در دماغ بچه داخل میکند. بدون دریافت رجحان طبیعی و میلان فطری، یا بغیر معلوم نمودن مساحت ذهنی اطفال نصاب ابتدائی را چند سال پیش در دست بچه میدهند. ما قدری جسارت نموده گفته میتوانیم که معلم بی خبر است از اینکه کتاب و نصاب تکمیل تعلیم است، گویا کتاب وسیله بالواسطه تحصیل علم است در آنحالیکه کار بی واسطه و سائل پیش زود یعنی کتابها بمدد دیگر اشیا آلات دیدن و فهمیدن همان اشیا اندکه مابطور خود دیده و دانسته نمی توانیم، گویا ما از قیمت و بهای تعلیم قدرتی که در عمر ابتدائی بکار است بیخبر میباشیم.

قوت متحرك ( مضطرب ) اطفال را که باید به مستعدی دستگیری کرد و حتی الامکان آنرا صحیح و کامل ساخت ما بر عکس سعی داریم که چشمها و خیالات طفل را بچنین کارها مصروف بداریم که در طفولیت برای او ناگوار و ناقابل فهم اند، چون بقول اسپنسر در بدل و دماغ معلمین آن توهم مسلط میباشد از آنرو علم را طرد نموده در پرستاری ( تصاویر علم ) منهمك میگردند، بنا برین معلمین این را نمی بینند که وقتی که بچه از خانه و بازار، از باغ و راغ، از کشت و زراعت و غیره قدری واقف شود باز اگر چه ذرایع معلومات نو که از کتابها حاصل میشوند برای بچه پیش شود چقدر مثبت واقع